■ سال بیست‌وهفتم ■ شماره ۷۶۵۷ ■ دوشنبه ■ ۳۱ خرداد ۱۴۰۰

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه همشهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۶ | اذان مغرب ۲۰/۴۵ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۳ | اذان صبح فردا ۴/۰۲ | طلوع آفتاب فردا ۵/۴۹

سخن روز

پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله: چه چیزی مانع توست که زندگی پسندیده و مرگ با سعادت را داشته باشی، چرا که من برای کامل نمودن اخلاق زیبا مبعوث شده‌ام.
[مجمع‌الزوائد، ج ۸، ص ۲۳]

شهین تسلیمی: استقبال از سریال‌های کمدی بیشتر شده است

مردم این روزها با توجه به شرایط سخت زندگی نیاز به خنده و سرگرمی دارند و نسبت به آثار کمدی اقبال بیشتری نشان می‌دهند. از همین رو بسیاری از تهیه‌کنندگان و کارگردانان هم در سال‌های اخیر به طرف ساخت فیلم‌ها و سریال‌های کمدی رفته‌اند. به خود من هم بازی در نقش‌های کمدی زیادی پیشنهاد شده است. با توجه به این نیاز، ساخت سریال‌های کمدی اتفاق خوبی است و حالا اگر مثل «غیرعلنی» موضوع متفاوت و خاصی داشته باشند هم که خیلی بهتر است و اصلاً چه ایرادی دارد به سوژه‌های متفاوت بپردازیم؟ با توجه به موضوع خاص و تازه سریال حدس می‌زدم که در هنگام پخش با استقبال روبه‌رو شود. واکنش مردم هم خوب بود و آنهایی که سریال را دیده بودند رضایت داشتند و تعریف می‌کردند. البته به نظرم «غیرعلنی» می‌توانست سریال طولانی‌تری هم باشد و قسمت‌هایش بیشتر.

بخشی از گفته‌های این بازیگر سینما و تلویزیون با مهر

باید خیلی عالی باشه، اینکه دلت واسه چیزی تنگه نشه، که چیزی رو پشت سرت جا نگذاشته باشی، که تمام مدت به عقب سرت نگاه نکنی.

کلارا و خورشید
کازوئو ایشی گورو
شیوا مقانلو
نیماژ

نـــگاره
نیما شاه میری

شب‌های فوتبالی با مسابقات یورو ۲۰۲۰

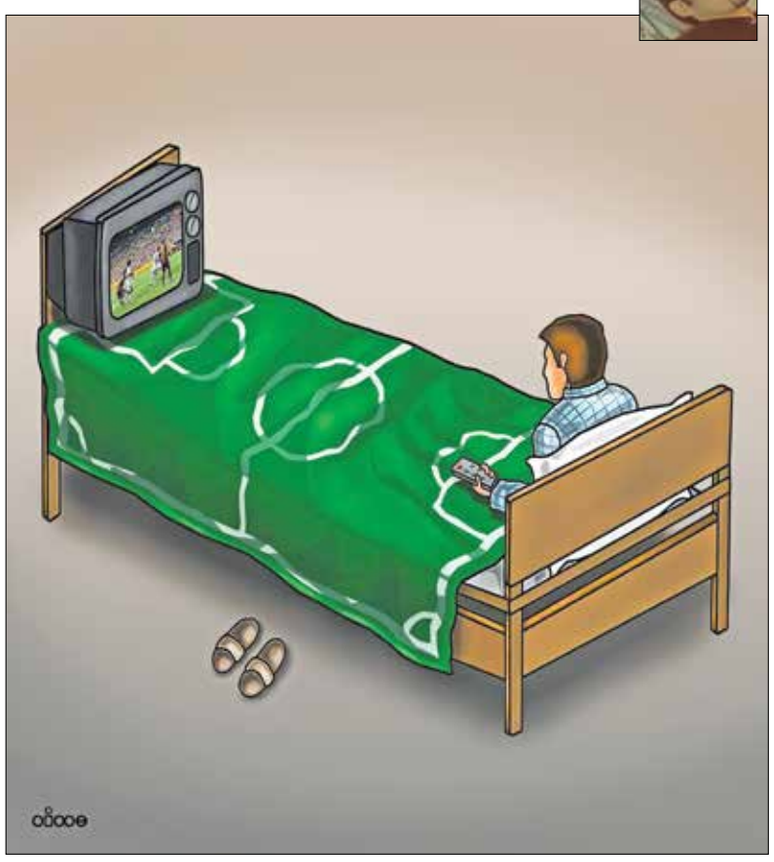

صحبت‌هایی تکراری اما همچنان ضروری

یادداشت

ناصر میرباقری
مدیر انتشارات و کتابفروشی «فرهنگ و هنر گویا»

صحبت درباره ضرورت حفظ کتابفروشی‌ها مسأله‌ای نیست که با یک یا دو مرتبه گفتن از آن گمان کنیم کار تمام شده و دیگر نیازی به تکرار آن نباشد، مسأله‌ای که من هم نکاتی درباره اهمیت آن را با شما کتاب‌دوستان در میان می‌گذارم. تأکید من بیش از همه بر اهمیت حفظ کتابفروشی‌های محله‌های زندگی‌مان است. البته نه اینکه از دیگر کتابفروشی‌ها غافل شویم، منتها شرایط این کتابفروشی‌های کوچک و بزرگ حمایت بیشتری طلب می‌کنند. فراموش نکنیم که حتی عادت کردن به دیدن هر روزه اینها از سوی فرزندانمان، آن‌هم در کنار انواع و اقسام مارکت‌ها و بوتیک‌های لباس و... اتفاق مهمی است. بچه‌ها از سن کم باید کتاب را ببینند تا بدانند که همان‌قدر که مراجعه به میوه‌فروشی و پروتئینی محله مهم است، رفت‌وآمد به کتابفروشی هم حیاتی است. وقتی محله‌ها، همگی کتابفروشی داشته باشند آن‌وقت است که حتی در پیاده‌روی‌های احتمالی روزانه‌مان، هنگامی‌که از کنار یکی از این کتابفروشی‌ها رد بشویم برای لحظه‌ای ایستاده و وسوسه گشت‌وگذاری میان قفسه‌های آنها می‌شویم. بالاخره در این بین هرازگاهی هم دست‌پر، با یک یا حتی چند کتابی برای خودمان یا کودکان و نوجوانان خانواده خارج خواهیم شد. البته می‌دانم این روزها گرانی‌ها شاید کمی دست‌مان را بسته باشد. با این‌حال اگر خوگرفتن با کتاب و دیدن ویترین آن از کودکی در وجودمان شکل‌گرفته باشد گذر از آن کار راحتی نیست. بویژه اگر هرازگاهی گذرمان به یکی از آنها بخورد. همین است که تا این اندازه بر حفظ حیات کتابفروشی‌های محلی تأکید می‌شود. نکته دیگر درباره اهمیت آنها به این بازمی‌گردد که برای برخی از مردم، تنها راه اطلاع از تازه‌های نشر مراجعه به کتابفروشی‌هاست. درست است که فضای مجازی بخش مهمی از زندگی همه‌مان شده، با این‌حال هنوز هم برخی سراغ آن نمی‌روند، یا حتی اگر بروند با صفحه‌ها یا سایت‌هایی که مرتبط با کتاب هستند آشنا نشده‌اند. البته این اتفاق هم باید با فرهنگ‌سازی رخ بدهد. هریک از اینها براحتی می‌توانند کاربری مغازه خود را به کبابی و امثالهم تغییر بدهند و بی‌دردسر سود بسیاری ببرند. ما باید بیش‌ازپیش اینها را قدر بدانیم، باید توجه کنیم که اگر حمایت نشوند با عشق تنها که نمی‌توانند حیات کتابفروشی خود را ادامه بدهند. مسأله دیگر متوجه صاحبان این کتابفروشی‌ها است. حالا که فضای مجازی جزئی از زندگی اغلب‌مان شده از این فضا هم می‌توان برای تشویق مردم استفاده کرد. هرکدام از این کتابفروشی‌ها می‌توانند سایتی در فضای مجازی یا صفحه‌ای در شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام دایر کنند و از این طریق ساکنان محله‌های خود را از تازه‌های کتاب باخبر کنند. حتی اگر هرازچندی میزبانی برخی برنامه‌های فرهنگی را برعهده دارند این راه خوبی برای اطلاع‌رسانی بیشتر است. در این‌بین می‌توان با همراهی خود اهالی کتاب و حتی علاقه‌مندی از معرفی و نقد آثار هم برای در اختیار گذاشتن اطلاعات بیشتر بهره گرفت. با این‌حال همه این تلاش‌ها نمی‌توانند تنها از سوی مردم و صاحبان کتابفروشی‌ها باشند. به خود من بارها گفته‌اند چرا شعبه‌های دیگری برای خانه «فرهنگ و هنر گویا» دایر نمی‌کنید؟ و من همیشه تأکید می‌کنم که همه کتابفروشی‌های کشور وقتی آثار نشر گویا را در اختیار علاقه‌مندان می‌گذارند در واقع شعبه‌ای از ما هستند. البته مخالف شعبه‌های مختلف از یک کتابفروشی نیستم، کتابفروشی‌ها هرچقدر هم افزایش پیدا کنند باز کم است. ما ناشران هم می‌توانیم از کتابفروشی محله‌ها حمایت کنیم؛ چه ایرادی دارد که هراز چندی جشن امضا یا رونمایی آثارمان را به میزبانی آنها برپا کنیم؟ حتی می‌توانیم مراسم‌هایی با حضور نویسندگان و مترجمان آثار برگزار کنیم. این کار وقتی با اطلاع‌رسانی باشد علاقه‌مندان را از سایر محله‌ها به کتابفروشی کوچک فلان محله شهرمان می‌کشاند. با این قبیل کارها می‌توان بیش‌ازپیش مردم را متوجه آنها کرد. وجود این کتابفروشی‌ها در نزدیکی محل سکونت‌مان یک یادآوری بزرگ و مهم است؛ اینکه کتاب و اهالی‌اش را فراموش نکنیم. وقتی کتابخوانی به گستره همه جمعیت‌مان گسترش یابد، یا حداقل به‌اندازه بخش اعظمی از آن، آن‌وقت است که می‌توان به آینده به‌مراتب روشن‌تری دل بست. پس چراغ کتابفروشی‌های محله‌های‌مان را پرفروغ‌تر از همیشه روشن نگاه داریم.

چرخ و فلک

زهره نیلی
روزنامه‌نگار

کرونا و تأثیر آن بر نشر و فروش کتاب کاغذی

بیش از ۱۴ ماه است که مردم، نه تنها در ایران که در سراسر جهان با بیماری کووید ۱۹ دست و پنجه نرم می‌کنند. کرونا بر وجوه مختلف زندگی از اقتصاد تا فرهنگ تأثیر گذاشته؛ امروز مردم با وسواس بیشتری به سراغ کتاب کاغذی می‌روند و ممکن است نگران انتقال ویروس و هزار و یک ماجرای دیگر باشند، پس طبیعی است که در این اوضاع و احوال، نشر و فروش کتاب‌های کاغذی هم تحت تأثیر شرایط حاکم قرار بگیرد.

کرونا جهان را درنوردید و بسیاری از مناسبت‌ها را تغییر داد. آدم‌ها نگران انتقال این ویروس و ابتلای خود به آن بودند ،اما جالب اینکه در چنین شرایط دشواری، گرایش به کتاب و کتابخوانی بیشتر شد و مردم برآن شدند تا ساعت‌های تنهایی و خانه‌نشینی خود را با خواندن کتاب پر کنند. پس به سراغ کتاب‌های الکترونیک و صوتی رفتند هم با خانه‌های کوچک و درآمد کم آدم‌ها هماهنگ‌تر بود (فضای کمتری را دربرمی‌گرفت و ارزان‌تر بود) هم افراد کتابخوان با خیال آسوده می‌توانستند به سراغ‌شان بروند و نگران انتقال ویروس کرونا نباشند؛ حتی نوجوان‌ها هم از کتاب‌های صوتی و الکترونیک استقبال بیشتری کردند.

اما وضعیت کتاب‌های خردسال و کودک کاملاً متفاوت بود و البته هست؛ چراکه این گروه سنی با کتاب صوتی و الکترونیک ارتباط برقرار نمی‌کند و دوست دارد کتاب را در دست بگیرد و ورق بزند و تصویرهایش را ببیند، بنابراین ناشران کتاب‌های کودک آسیب دیدند و تحت تأثیر کرونا، بخشی از درآمد اقتصادی خود را از دست دادند.

دیگر مردم کمتر به کتابفروشی‌ها و فروشگاه‌های بزرگ کتاب می‌رفتند و دلشان می‌خواست کتاب یا کتاب‌های مورد نظر خود را به شکل آنلاین سفارش دهند. در این میان، ناشرانی توانستند زودتر جلوی ضرر را بگیرند که سایت‌ها و شبکه‌های مجازی خود را تقویت و روی فروش آنلاین تمرکز کردند.

از سوی دیگر با آمدن کرونا، بساط نمایشگاه بزرگ کتاب که هر سال بهار برگزار می‌شد برچیده و به نگرانی ناشران افزوده شد، چون ناشران کوچک و حتی بزرگ به فروش خود در این نمایشگاه امیدوار بودند و حالا این تنها دلخوشی از آنها گرفته شده بود، گرچه وزارت فرهنگ و ارشاد، زمستان گذشته به برگزاری نمایشگاه مجازی پرداخت و بسیاری از ناشران در آن شرکت کردند و برخلاف تصورشان، فروش خوبی هم داشتند اما اتفاق خوشایندتر تکرار نمایشگاه‌های مجازی این‌چنین است.

در هر حال، باید بپذیریم که کرونا، تصویر جهان را تغییر داده و ما باید شیوه‌های جدید فروش را بپذیریم و در برابر آن مقاومت نکنیم، چرا که فروش و مهم‌تر از آن مخاطب خود را از دست می‌دهیم. مخاطبی که در جهان امروز زندگی می‌کند و امکانات جدید را می‌شناسد طبیعی است که در برخورد با او نمی‌توان به شیوه‌های سنتی بسنده کرد.

حتی می‌توان امکان دیدن و ورق زدن صفحات کتاب را در فضای مجازی فراهم کرد تا بچه‌ها و پدر و مادرهاشان که خریداران اصلی کتاب هستند آنچه می‌خواهند را ببینید و با کلیت یک کتاب آشنا شوند. راستی نمی‌توان منکر شد که فروش آنلاین این امکان یکسان را برای همه آدم‌ها در سراسر ایران فراهم می‌کند تا آسوده در خانه خود بنشینند و آنچه را می‌خواهند سفارش بدهند. به همین‌خاطر بهتر است ناشران به روش‌های جدید فروش و حتی تولید کتاب فکر کنند تا مخاطب خود را از دست ندهند.

پیشنهاد

حمید شانس
استاد مجسمه ساز

آزادی به روایت فروم

کتاب «گریز از آزادی» اثر اریک فروم، ترجمه عزت‌الله فولادوند کتاب بسیار قدیمی است. اریک فروم هم روانشناس است و هم جامعه‌شناس و در مکتب فرانکفورت برای خود صاحب‌نام است و عزت‌الله فولادوند هم مترجم کتاب‌های فلسفی است. حال با وجود دو فرد مقتدر در یک اثر قطعاً می‌توان اثر خواندنی خلق کرد. فروم درجایگاه یک اندیشمند معتقد است هستی انسان و آزادی از همدیگر جدایی‌ناپذیرند. در این کتاب منظور از آزادی، این نیست که انسان با چشم پوشی از اصول و چارچوب‌های اخلاقی و نادیده گرفتن خط قرمزهایی که در جامعه وجود دارد، تعدی کرده و هرکاری که به خواسته دل خود هست و دوست دارد انجام دهد بلکه در این کتاب آزادی به معنای عدم وابستگی تلقی شده است. تاریخ آدمی تلاش برای آزادی است. این روانکاو آلمانی-امریکایی در این کتاب سعی دارد بر پایه روابط عوامل روانی و اجتماعی آزادی را تعریف کند و کیفیات آن را مشخص و موانع آن را ذکر کند. فروم با کسانی که تحولات بزرگ اجتماعی را صرفاً معلول عوامل روانی می‌دانند و همچنین با کسانی که فقط بر عوامل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در تحلیل پدیده‌ها تکیه می‌کنند، مخالف است. او با تکیه بر هر دو به تحلیل پدیده آزادی می‌پردازد. خواندن این کتاب را به علاقه‌مندان حوزه فلسفه پیشنهاد می‌کنم.

■ **گریز از آزادی**
■ **اریک فروم**
■ **ترجمه عزت‌الله فولادوند**

یادداشت

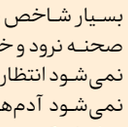

لیلی عاج
کارگردان تئاتر

کرونا به تئاتر فرم‌های تازه پیشنهاد داد

در روزگاری به‌سر می‌بریم که همه امید دارند سایه بحران جهانی کرونا، از سر همه کشور عبور کند و همه چیز، از جمله فعالیت‌های فرهنگی به روال پیش از خود برگردد. در این دوره طبیعتاً تئاتر، با چالش‌های بزرگی روبه‌رو شد که یکی از آنها تعطیلی‌ها و ترس مخاطبان از تماشای تئاتر بود که به‌هیچ عنوان نمی‌شود آن را ترسی غیرمنطقی و نادرست هم دانست. با این‌حال، امروز که سالن‌های نمایش جسته‌وگریخته باز هستند هم به دلیل همین ترس، دل و دست بسیاری از علاقه‌مندان به تئاتر راه نمی‌دهد که سری به سالن‌ها بزنند و البته در این زمینه شاید عوامل مختلفی تأثیرگذار باشند. به عقیده من اگر کار باکیفیتی تولید شود و این کار آن‌قدر شگفت‌انگیز باشد که خبرش دهان‌به‌دهان به گوش همه اهل تئاتر برسد، حتماً بخشی از این هراس و تردید را پاسخ خواهد داد و مخاطب تئاتر این قدم را برخواهد داشت و برای تماشا به سالن تئاتر خواهد آمد. متأسفانه علی‌رغم همه تلاش‌ها و کوشش‌های دوستانی که در این دوره کار روی صحنه بردند و بسیاری‌شان هم کارهای به نسبت خوبی بودند این شگفتانه و کار بسیار با کیفیت روی صحنه نرفته است. با این‌همه تا جایی که من رصد کردم استقبال از کارهایی که در حال اجرا هستند آنچنان هم کم و در حد صفر نبوده یعنی وقتی برای کاری به تئاتر شهر رفتم یا سالن شهرزاد، دیدم که تماشاچی وجود دارد و گویی کم‌کم از آن نقطه صفر کمی در حال پیشروی هستیم اما همان‌طور که آمد تا کار بسیار شاخص و با کیفیت فرمی و محتوایی روی صحنه نرود و خبرش در گوش اهل تئاتر نپیچد نمی‌شود انتظار آنچنانی هم از استقبال داشت. نمی‌شود آدم‌ها را با دل‌نگرانی راهی سالن نمایش کرد و مخاطب زمانی می‌تواند تماماً با روح کاری که روی صحنه در حال اجراست یکی شود که تمام تمرکزش آنجا باشد و طبیعتاً وقتی پای جان عزیز آدمی هم وسط باشد اوضاع کاملاً فرق می‌کند و مثلاً نمی‌شود انتظار داشت یا قضاوت کرد و حکم داد که حضور و پای کار و اجرا آمدن چهره‌های شناخته‌شده تئاتر می‌تواند گرهی از مشکلات باز کند یا باعث اعتمادسازی حضور مخاطب در سالن‌های نمایش باشد. آنها هم دلایل خودشان را برای این مسأله دارند و وقتی پای صحبت‌های این چهره‌ها می‌نشینید به آنها حق می‌دهید که پابه‌عرصه گذاشتن‌شان را فعلاً به تعویق انداخته‌اند. من به همه دوستانی که این روزها واقعاً زحمت می‌کشند و کار می‌کنند و اغلب هم از جوان‌ها هستند دست‌مریزاد می‌گویم که با وجود تمام مشکلات اقتصادی و... سعی می‌کنند صحنه را خالی نکنند و حضور داشته باشند. راستش همه ما دل‌مان برای تئاتر بسیار تنگ شده است و امیدواریم باز با تولید کارهایی شاخص، چه به لحاظ فرم و چه به لحاظ محتوایی، سالن‌ها لبریز از مخاطب شود و شور و هیجان به تئاتر برگردد. البته این شور و هیجان و مخاطبی که می‌گوییم در قیاس با گذشته است و این تفقد به تئاتر در گذشته هم آن‌قدری زیاد نبوده که بتوانیم آن را با کشورهای دیگر مقایسه کنیم ولی عجالتاً همه ما به همان گذشته راضی هستیم و برایش امیدواریم. یک امیدواری دیگر هم دارم مبتنی بر اینکه از جشنواره‌های تئاتری خروجی مناسبی بیرون بیاید و کارهایی که جهشی فرمی و محتوایی داشته باشند و همان شگفتی‌هایی را که در ابتدای این متن به آن اشاره کردم در خود پرورانده باشند و به عنوان یک کارگردان تئاتر می‌توانم بگویم همه آنچه در این مدت تجربه شد، از فاصله‌گذاری تا ماسک تا... همه و همه می‌تواند به ما فرم‌های جدیدی را در اجرا پیشنهاد بدهد.

عکس نوشت

امروز نود و هفت سالگی آقای بازیگر است، هنرمندی که با نقش‌آفرینی‌های خود، حضوری همیشگی در فرهنگ‌مان دارد. علی نصیریان در پیامی به همین مناسبت گفته: «درس عشق هنر در دفتر و دستک نیست، در ذات انسان است اگر بتوان آن را جست و رام کرد که جستن و رام کردن آن آسان نیست و عزت‌الله انتظامی توانسته بود. او حقیقتاً توانا بود، خدایش بیامرزد و روحش شاد.» پشت صحنه تئاتر «هفت شب با میهمانی ناخوانده در نیویورک»
عکس: هادی نوید

شهروند مجازی

یگانه خدامی

#واکسن

هشتگ

بعد از ماجراهای انتخابات، دوباره توجه‌ها بیشتر به سمت واکسن کرونا جلب شده است. مدتی به دلیل کمبود واکسن، تزریق آن دچار مشکلاتی شده بود اما وزارت بهداشت اعلام کرده که با ورود محموله‌های جدید تزریق آن دوباره آغاز شده است. با این حال کاربرانی از اینکه افراد سالمند خانواده‌شان پس از مراجعه به مراکز تزریق واکسن موفق به انجام این کار نشده‌اند، نوشتند و از شرایط گله کردند. کاربرانی هم نشانی مراکز تزریق دوز دوم واکسن را بازنشر می‌کردند و بعضی‌ها هم با خوشحالی از اینکه پدر و مادرشان دوز دوم را زده‌اند، نوشتند: «هوررررررا مامانم دوز دوم سینوفارم رو زد همین الان»، «بعضی پنج ساعت بعضیا شش ساعت ایستاده بودن. نگران نبود واکسن. چند روز اومده بودن رفته بودن. یکی از همراها اسما رو می‌نوشت.»، «صدا و سیما اعلام کرده که واکسیناسیون مجدداً آغاز شده. از ۵ صبح امروز دو مرکز مختلف رفته‌ام برای دوز دوم واکسن مادرم که از تاریخ تزریق دوز دومش هم گذشته، اسم نوشته‌ام ولی خبری از واکسن نیست. نه ایرانشهر، نه درمانگاه فاضل. دوست دیگری هم رفته ایرانمال و خبری نیست.»، «این مطالبه واکسن چی شد؟ وقتی تمام دنیا دارن به شرایط عادی برمی‌گردن، ما هنوز سفر نمی‌تونیم بریم! از ۱۰ شب تا ۳ صبح بیرون نمی ریم و باید دوتا دوتا ماسک بزنیم تو این گرما»، مطالبه افکار عمومی نباید یک روز هم قطع بشه چون همین حین آدم‌های عزیز صدها خانواده ایرانی از دست می‌رن»، «پدرمون امروز رفت دوز دوم واکسن رو بزنه، گفتن که باید پنج صبح بیاین اسم بنویسین. انگار صف سفارته»، «چین یه میلیارد نفرو واکسن زده، اینجا هنوز ۱۸ درصد هفتاد سال به بالا»، «دنیا دارد آرام‌آرام به زندگی بازمی‌گردد، اکثر پدران و مادران ما هنوز واکسن نزده‌اند. بعضی حتی دوز اول را هنوز نزدند، بعضی دوز دوم را، بعضی هم نوبت دوز دومشان رسیده و واکسن نیست.»، «مراکز واکسیناسیون از فردا دوز دوم واکسن افراد را تزریق می‌کنند. ۷ مرکز در تهران برای این تزریق‌ها تعیین شده. باغ پرندگان، حسینیه ارشاد، خانه هنرمندان»، «من الان دیدم پارک هنرمندان برای ۲۵ خرداد که وقت داشتند تزریق میکنه جاهای دیگه عمدتاً هنوز واکسن نرسیده بهشون»، «بابام هر هفته ازم می‌پرسه نوبت واکسن ما نشد و من با شرمندگی میگم نه...»، «امروز پدرم از شهرستان آمد که طبق تاریخ مشخص شده دوز دوم واکسن را تزریق کند. اول صبح به پارک هنرمندان رفت. خیلی شلوغ و بی‌نظم بود. گفتند تازه داریم واکسن‌های ۲۵ خرداد را می‌زنیم. برید چند روز دیگه بیایید.»

استقلال و دعواهایش

ماجرا

اوضاع باشگاه استقلال چندان خوب نیست. پس از بیانیه فرهاد مجیدی سرمربی این تیم علیه مدیریت باشگاه، دیروز احمد مددی مدیرعامل استقلال در گفت‌وگویی از مجیدی خواست به‌جای توهم توطئه به فکر باشگاه باشد و خبرهایی هم درباره احتمال برکناری مجیدی منتشر شد. این حرف‌ها و ماجراها طرفداران استقلال را وادار به واکنش کرد و خیلی‌ها در طرفداری از مجیدی در شبکه‌های اجتماعی نوشتند. هرچند که شاهد انتقاد از او هم بودیم: «دیگه الان پشت فرهاد بودن ربطی به‌نظر شخصی نداره. کاری ندارم ازش خوشت میاد یا نه ولی الان که فرهاد جلوی اینا وایساده و حرف همه هوادارا رو داره میزنه نباید پشت فرهاد رو خالی کنیم»، «مددی بیخود میکنه مجیدی رو برکنار کنه .فرهاد مجیدی باید بمونه فصل بعد تیم ببنده»، «مددی مدیرعامل استقلال علیه فرهاد مجیدی مصاحبه کرده که بدان هیچ‌کسی از استقلال بزرگ‌تر نیست. پدر جان تکلیف تو و دار و دسته‌ات که از استقلال که هیچی، از تیم‌های آماتوری هم کوچک‌ترید چیه اون‌وقت؟»، «فرهاد مجیدی بار دیگر انتقادات تندی نسبت به مسئولان وزارت ورزش و مدیرعامل باشگاه استقلال ابراز داشت و عجیب اینکه مسئولان وزارت ورزش و مدیرعامل باشگاه هیچ پاسخی به انتقادات مجیدی ندارند تا شائبه درست بودن این انتقادات پررنگ‌تر شود.»، «نه با بازیکنا تمدید میکنه نه پولی به بازیکنا میده و نه حتی توان دستیار آوردن داره و میگه پول نداریم. نه توان جذب بازیکن داره. نمونه‌اش قاسمی نژاد. تازه به فرهاد مجیدی میگه تو توهم توطئه داری؟ تو چیکار کردی واسه باشگاه که خودتو خوب میبینی و همه رو متوهم؟»، «فرهاد مجیدی وقتی کم میاره و ناامید میشه عادت همیشگیشه که حمله ور بشه سمت هیأت مدیره و مدیرعامل باشگاهشون، دقیقاً مثل قبل که تقصیرها رو گردن سعادتمند بیچاره انداخت. حالا نوبت مددی بیچاره است.»، «نه جدی جدی مددی به فرهاد مجیدی گفته هیچ نامی بزرگتر از استقلال نیست؟!»، «یادمان نرود تنها دلسوزی که در این شرایط سخت در تاریخ باشگاه استقلال دنبال توجیه نیست و با صراحت از حق هوادار دفاع می‌کند و یک تنه در مقابل همه ایستاده، فرهاد مجیدی است.»، «مددی تو گفته‌هاش یه حرف خوب زد اونم اینکه هیچ نامی بزرگتر از استقلال نیست و این تیم بزرگ جای امثال آقای مددی نیست! هوادار، باهوش باش که فرهاد مجیدی فرزند استقلاله و ضربه زدن به مجیدی یعنی ضربه زدن به استقلال»، «گل‌محمدی از مدیریت پرسپولیس گفت؛ رسول پناه هم حرف‌هایی که همه شنیدیم رو زد؛ هوادار هم اومد طرف گل‌محمدی رو گرفت. الان فرهاد در مورد مدیریت صحبت کرده و حرف همه ما هوادارها رو زده؛ الان هوادار هم باید پشت مجیدی باشه. یحیی همراهی رسانه رو داشت ولی فرهاد هیچ رسانه‌ای نداره!»، «یعنی مددی هم از حرکات فرهاد مجیدی صداش دراومده»، «تنها خواسته فرهاد مجیدی چیه؟ پول بازیکناشو بدن، غذای تیمشو تهیه کنن و تمدید قرارداد کنن با بازیکناش. حالا پوشاک تیم که هنوز قرارداد رسمی با برندی نداره و مشکل زمین تمرین و هتل هم بماند! فرهاد مجیدی خواسته‌هاش زیاد نیستن، بازیکن از قطر و پرتغال نمی‌خواد و کمپ میلیون دلاری مثل پرسپولیس نمی‌خواد. هیأت مدیره سر لج افتاده با مجیدی منم بعید می‌دونم با این شرایط استقلال نتیجه بگیره اوضاع اون قدر خرابه یا باید مثل سال قبل مجیدی بره یا هیأت مدیره.»